

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و یکم ۱۳۹۶/۰۹/۱۱

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۲۰) - شایستگی های لازم یک پاسخگو به شبهات (۶)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با شرایط کسانی است که می‌خواهند در حوزه پاسخگویی به شبهات یا در مناظرات حضور داشته باشند.

ما مقدمه‌ای را عرض کردیم در رابطه با تشویق ائمه طاهرين (عليهم السلام) مبنی بر حضور در مناظره با مخالفین و حضورشان در تربیت افرادی برای پاسخگویی به شبهات. حال به چند نکته اشاره می‌کنیم؛ کسی که می‌خواهد در این حوزه وارد شود باید ویژگی‌های روحی و ذاتی داشته باشد. در غیر این صورت نمی‌تواند متصدی پاسخگویی به شبهات باشد.

نکته اول علاقه و عشق به دفاع از اهل بیت (عليهم السلام) است. زیرا دفاع از اهل بیت در هر عصری یک سری تالی فاسدهایی داشته است.

همواره دشمنان اهل بیت بر مسند قدرت بودند و در سمپاشی علیه اهل بیت و تبلیغات علیه کسانی که از اهل بیت دفاع می‌کنند، همیشه فعال بودند. زیرا دشمنان اهل بیت برای خودشان حد و مرزی نمی‌شناختند.

برای این افراد در افترا زدن، بهتان زدن، ترور شخصیتی یا فیزیکی؛ نه دین مطرح بود و نه خدا و نه آخرت. کسانی که می‌خواهند در این حوزه پاسخگوئی به شبهات وارد شوند باید از همه چیز خود بگذرند و جان، آبرو و حیثیت خودشان را در کف دست قرار دهند و به این میدان بیایند.

لذا عشق و علاقه خاصی نیاز است تا انسان بتواند در این مسیر موفقیت داشته باشد. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«مَنْ أَحَبَّ شَيْئاً لِهَيْجِ بَذَرَهُ»

کسی که چیزی را دوست داشته باشد حتی با یاد او هم لذت می‌برد.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۶۵، ح ۸۵۹

چنین شخصی، نه تنها از کار و موفقیتش احساس خوشبختی می‌کند، بلکه زمانی که اسم آن را هم می‌آورد همواره خوشحال است. تا این عشق در انسان ایجاد نشود ناملایمات و مشکلات در این مسیر، به هیچ وجه قابل حل نیست.

چون الآن اگر کسی در این موقعیت فعلی، در این فاز پاسخگوئی بیفتد، وهابیت او را ترور شخصیتی و شخصی می‌کنند. - البته ترور شخصی که باعث افتخار است. - از طرف دیگر این مسئله پاسخگوئی به شبهات، برای اهل سنت گران است. زیرا مشاهده می‌کنند با بصیرت افزایی و افشاگری، بسیاری از جوانان اهل سنت روشن می‌شوند و به طرف مکتب اهل بیت کشیده می‌شوند.

تحمل این کار برای اهل سنت خیلی سخت است. از طرف دیگر جوانان اهل سنت سؤالاتی می‌پرسند. بنده به یاد دارم چندین سال قبل زمانی که ما در «شبکه سلام» بودیم و برنامه داشتیم، تعدادی از علمای اهل سنت در بندرعباس جمع شده بودند و می‌گفتند حرف‌های فلانی باعث شده که جوانان اهل سنت سؤالاتی از ما بپرسند که ما جواب این سؤالات را نداریم و همین امر سبب می‌شود که جوانان خوشبینی خود را نسبت به ما از دست بدهند.

ما باید از دست فلانی، به مراکز بین المللی شکایت کنیم که با این صحبت‌های خود سبب شده است جوانان ما از عقاید خودشان برگردند.

پرسش:

آیا بر اثر افشاگری شما، موردی بوده که جوان سنی از اصل دین برگردد؟

پاسخ:

ما حداقل در طول این چندین سالی که در این حوزه پاسخگوئی به شبهات هستیم موردی نداشتیم که جوانی از دین برگردد. زمانی که افشاگری می‌شود بارها اتفاق افتاده افرادی روی خط بیایند و بگویند ما ۳۰ سال یا ۴۰ سال عقیده اهل سنت را داشتیم، اما الآن با این صحبت‌هایی که شما از کتب ما مطرح می‌کنید و کتب ما را روی آنتن می‌برید و ما آن‌ها را می‌بینیم معطل ماندیم چکار کنیم؟ ما هیچ راه گریزی نداریم جز اینکه با این بیان قاطعی که شما مطرح می‌کنید تسلیم شویم!!

اهلبیت (علیهم السلام) هم این چنین بودند. شما ببینید امام هشتم امام رضا (علیه السلام) وقتی دو سال فضا را فراهم می‌بینند بلافاصله جلسات مناظره برگزار می‌کنند. آنهم نه تنها با اهل سنت مناظره می‌کنند؛ بلکه با صائبی‌ها، مسیحی‌ها و علمای یهود مناظره می‌کردند.

شما ببینید افشاگری‌هایی که امام هشتم (علیه السلام) در آن مدت داشتند، شاید در تاریخ ائمه طاهرین (علیهم السلام) بی‌سابقه بوده است!! امام رضا (علیه السلام) نه تنها حقانیت امیرالمؤمنین و اهلبیت (علیهم السلام) را اثبات کرده، بلکه از آن طرف بطلان خلافت خلفای اهل سنت را هم اثبات کردند.

من ندیدم که امام صادق (علیه السلام) نسبت به نقد خلفا اینطور به صراحت در یک مجمع عمومی با حضور علمای اهل سنت افشاگری کنند.

شما مناظره امام رضا (علیه السلام) با علمای اهل سنت که در رأس آنها «یحیی بن ضحاک سمرقندی» است را مشاهده کنید. آن بزرگوار می‌فرماید:

«يا يَحْيَى مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ ادَّعَى الصِّدْقَ لِنَفْسِهِ وَ كَذَّبَ الصَّادِقِينَ»

کسی که می‌گوید من راست می‌گویم و راستگویان را تکذیب می‌کند.

ملاحظه کنید که حضرت در لفافه سخن می‌گویند.

«أَيُّ يَكُونُ صَادِقًا مُحِقًّا فِي دِينِهِ أَمْ كَاذِبًا»

آیا چنین کسی در ادعای دینداری خود، راستگو هست یا دروغگو؟

کسی که صادق باشد نمی‌تواند صادق را تکذیب کند. تکذیب صادق دلیل بر این است که صادق نیست. حضرت فرمود: آیا او صادق است یا کاذب است؟!

«فَلَمْ يَجِزْ جَوَابًا سَاعَةً»

یحیی لحظاتی فکر کرد، اما نتوانست پاسخ دهد.

«فَقَالَ الْمَأْمُونُ أَجِبْهُ يَا يَحْيَى»

مأمون گفت: یا یحیی! جواب بده.

«فَقَالَ قَطْعَنِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

یحیی گفت: امام رضا تمام راه‌های دفاع را بر من بست و نتوانستم جواب دهم.

«فَالْتَفَتَ إِلَى الرَّضَا فَقَالَ مَا هَذِهِ الْمَسْأَلَةُ الَّتِي أَقَرَّ يَحْيَى بِالْإِنْقِطَاعِ فِيهَا»

مأمون به امام رضا گفت: این چه مسأله ای بود که یحیی را درمانده کرد؟

یحیی که انسان فهمیده و عالمی بود متوجه شد که امام رضا (علیه السلام) کدام راه را بر او بست و چطور بست.

آن بزرگوار در جواب مأمون فرمود:

«فَقَالَ عِنْ زَعَمَ يَحْيَى أَنَّهُ صَدَّقَ الصَّادِقِينَ فَلَا إِمَامَةَ لِمَنْ شَهِدَ بِالْعَجْزِ عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ عَلَى مِثْرِ

الرَّسُولِ وَوَلِيَّتِكُمْ وَ لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ وَ الْأَمِيرُ خَيْرٌ مِنَ الرَّعِيَةِ»

امیر باید افضل مردم باشد. و خود خلیفه اول می گوید من بهترین شما نیستم! حال خلیفه اول یا راست

می گوید و یا دروغ می گوید!! اگر راست می گوید که «وَلِيَّتِكُمْ وَ لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ» بنابراین معلوم می شود که

شایستگی ندارد. چون افضل الناس باید خلیفه باشد و ملت افضل از اوست. و اگر او دروغ می گوید انسان

دروغگو شایستگی خلافت ندارد. ببینید که حضرت یک قضیه دوطرفه درست کرده است که «یحیی» از هر

طرف برود محکوم است.

بعد فرمود:

«وَ إِنْ زَعَمَ يَحْيَى أَنَّهُ صَدَّقَ الصَّادِقِينَ فَلَا إِمَامَةَ لِمَنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ عَلَى مِثْرِ الرَّسُولِ صَ أَنْ لِي شَيْطَانًا

يَعْتَرِينِي وَ الْإِمَامُ لَا يَكُونُ فِيهِ الشَّيْطَانُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰، ص

۳۴۸، ح ۶

این کلام ابوبکر است که می گوید: «أَنَّ لِي شَيْطَانًا يَعْتَرِينِي»!! ما تمام این مطالب را به صورت مستند آوردیم.

ما روی فرمایش امام رضا (علیه السلام) صدها ساعت وقت گذاشتیم.

در کتاب «مصنف» اثر «عبدالرزاق صنعانی» وارد شده است که اولین خطبه ای که ابوبکر خواند چنین است:

«أما والله ما أنا بخيركم و لقد كنت لمقامي هذا كارها و لوددت لو أن فيكم من يكفيني فتظنون أني

أعمل فيكم سنة رسول الله إذا لا أقوم لها إن رسول الله كان يعصم بالوحي وكان معه ملك»

اینکه ما می‌گوییم امام باید معصوم باشد همین است. ابوبکر سپس اعتراف می‌کند:

«وإن لی شیطانا یعتیرنی»

من شیطانی دارم که به جای ملک کنار من هست.

«فإذا غضبت فاجتنبونی لا أؤثر فی اشعارکم ولا أبشارکم الا فراعونی»

زمانی که عصبانی شدم از اطراف من پراکنده شوید تا موهای شما را نکنم و چنگ به صورتتان نیندازم.

این تعبیر، تعبیر بسیار عجیبی است. او در ادامه می‌گوید:

«فإن استقمت فأعینونی وإن زغت فقومونی»

اگر دیدید که گمراه می‌شوم مرا به راه بیاورید.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

١٤٠٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ١١، ص ٣٣٦، ح ٢٠٧٠١

زمانی که خود خلیفه اینچنین ادعا می‌کند؛ توقع دارید که چگونه جامعه را اداره کند؟! آقای «ابن سعد» در کتاب

«طبقات» همین تعبیر را دارد.

«و اعلموا أن لی شیطانا یعتیرنی فإذا رأیتمونی غضبت فاجتنبونی لا أؤثر فی أشعارکم وأبشارکم»

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري، دار النشر: دار صادر

- بيروت، ج ٣، ص ٢١٢، باب ذكر وصية أبي بكر

حتی «ابن تیمیه» هم این را مطرح می‌گوید:

«وإن لی شیطانا یعتزینی یعنی عند الغضب فإذا اترانی فاجتنبونی لا أؤثر فی أبارکم»

منهاج السنة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۸، ص ۲۶۶

او در ادامه ادعای عجیبی می‌کند و می‌گوید:

وهذا الذي قاله أبو بكر رضي الله عنه من أعظم ما يمدح به

می‌گوید در حقیقت این فضیلت ابوبکر است. و دارد شکسته نفسی می‌کند!!

بله هر بشری شیطانی دارد، اما در رأس بشر باید کسی باشد که از شیطان دور باشد تا بتواند جامعه را هدایت کند.

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۲۱

زمانی که خلیفه خود می‌گوید: زمانی که من عصبانی شوم به شما چنگ می‌زنم، موی شما را می‌کنم و صورت شما را خراش می‌اندازم چه انتظاری از جامعه هست!؟

اگر در جامعه هم چنین افرادی بودند خلیفه نمی‌تواند اعتراض کند، زیرا آن‌ها می‌گویند: وقتی شما عصبانی می‌شوید چنین کاری می‌کنید. من هم عصبانی شدم و چنین کاری کردم!!

امام رضا (علیه السلام) در ادامه می‌فرماید:

«وَإِنْ زَعَمَ يَحْيَىٰ أَنَّهُ صَدَقَ الصَّادِقِينَ فَلَا إِمَامَةَ لِمَنْ أَقَرَّ عَلَيْهِ صَاحِبُهُ فَقَالَ كَانَتْ إِمَامَةُ أَبِي بَكْرٍ فَلْتَةً وَقَى
اللَّهُ شَرَّهَا فَمَنْ عَادَ إِلَيَّ مِثْلَهَا فَاقْتُلُوهُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰، ص

۳۴۸، ح ۶

مشاهده کنید که آن بزرگوار با این سه جمله، یک طوفانی ایجاد می‌کند که «یحیی» می‌گوید: امام رضا تمام راه‌های دفاع را بر من بست!! عالم اهل سنت در جواب امام رضا عاجز ماندند. پس جوانهای اهل سنت چه باید بکنند؟!

البته این عبارت خود «صحیح بخاری» است که نقل کرده است:

«إِنَّمَا كَانَتْ بَيْعَةُ أَبِي بَكْرٍ فَلْتَةً وَتَمَّتْ أَلَا وَإِنَّهَا قَدْ كَانَتْ كَذَلِكَ وَلَكِنَّ اللَّهَ وَقَى شَرَّهَا»

اینکه می‌گویند اجماع بر خلافت ابوبکر بوده و... صحیح نیست. زیرا خود خلیفه اعتراف می‌کند که از این خبرها نبوده!!

پرسش:

قبل از آن عبارت، وارد شده است:

«فَلَا يُعْتَرْنَ أَمْرًا أَنْ يَقُولَ إِنَّمَا كَانَتْ بَيْعَةُ أَبِي بَكْرٍ فَلْتَةً»

فریب نخورد کسی که بگوید:

پاسخ:

بله ولی خودش در ادامه می‌گوید:

«ألا وَإِنَّهَا قَدْ كَانَتْ كَذَلِكِ»

یعنی چنین بوده است!! سپس می‌گوید:

«مَنْ بَاعَ رَجُلًا مِنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَتَابِعُ هُوَ وَلَا الَّذِي تَابَعَهُ تَغْرَةً أَنْ يُفْتَلًا»

اگر مثل انتخاب ابوبکر باشد و بدون مشورت با مردم، بیعتی با خلیفه ای صورت بگیرد، هم بیعت شوند و هم بیعت کننده باید کشته شود.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٦، ص ٢٥٠٥، ح ٦٤٤٢

یعنی در حقیقت، بیعت ابوبکر ذاتاً بیعت فتنه و شر بوده است و سزاوار بود که هم ابوبکر و هم بیعت کننده‌ها کشته شوند!! این روایت تمام بساط را به هم زده است و به خاطر اینکه از کتاب «صحيح بخاري» است هیچ کاری هم نمی‌توان کرد.

امام رضا (علیه السلام) بساطی را پهن می‌کند و موضوعی را مطرح می‌کند که به برکت اهل بیت امروز در منابع دست اول اهل سنت، منابع سخنان امام رضا وجود دارد. این هم یکی از معجزات اهل بیت (علیهم السلام) است. علی رغم تلاش‌های فراوانی که صورت گرفت تا هرچیزی که برخلاف صحابه است؛ در مذمت صحابه است و...؛ محو شود و آتش زده شود، اما این مطالب هنوز وجود دارد.

«ذهبی» می‌گوید: واجب است مطالبی که علیه صحابه گفته شده نابود شود. حالا ما نمی‌دانیم چقدر از این مطالب نابوده شده است، مطالبی که از دست آن‌ها در رفته به دست ما رسیده است. ما نمی‌دانیم چقدر فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را آتش زدند و مانع بیان آن‌ها شدند!؟

در کتابخانه «شیخ طوسی» بنا به نقلی بیست و چهار هزار جلد کتاب بوده و تمام آثار عصر امامت در آنجا موجود بوده که همه را آتش زدند. اگر آن مطالب در دست ما بود ما الآن بیشتر از این‌ها با دست باز می‌توانستیم از اهل بیت دفاع کنیم و مخالفینشان را نقد کنیم.

حالا تمام آن مطالب از دست رفته است، اما بحمدالله به اندازه‌ای که امروز یک بچه شیعه با افتخار بگوید: "من شیعه هستم و تحدی می‌کنم. هرکسی برای مناظره حاضر است من حاضر!!" مطلب وجود دارد.

امروزه یک بچه هشت ساله با «شبهه کلمه» تماس می‌گیرد و ادعا می‌کند که من حاضرم با کارشناسان شما مناظره کنم!!

هفته گذشته آقای «صلاح الدین» رهبر شیعیان ترکیه اینجا بود. او می‌گفت: "بحث‌هایی که شما داشتید، در ترکیه به جوانان و علمای ما اعتماد به نفس داده است. جوانان ما قبلاً جرئت نمی‌کردند، اما با مسائلی که امروزه مطرح شده است با قاطعیت تمام در برابر مخالفین اعلام مناظره و گفتگو می‌کنند. جوانان امروزه با سربلندی می‌گویند ما شیعه هستیم و مذهب ما منطبق با قرآن کریم و سنت پیغمبر اکرم است."

بینید اگر حق روشن شود بسیاری از مسائل حل می‌شود. امروز نزدیک پنجاه نفر از علمای اهل سنت ما شیعه شدند به طوری که علی‌رغم تهدیدات مختلفی از قبیل قتل، ترور یا ترور شخصیتی؛ با تمام وجود، دارند از تشیع دفاع می‌کنند.

عزیزان قدر این امکانات و فرصت پیش آمده را بدانند و من هم بارها گفته‌ام که اولاً در طول تاریخ برای احدی چنین فرصتی نبوده است که بشود از اهل بیت این چنین دفاع کرد و نسبت به نقد عقاید مخالفین حرف زد. البته من بارها عرض کردم که ما در نقد باید مراقب باشیم کوچک‌ترین اهانتی نکنیم. واقعیت‌های تاریخی باید بدون کوچک‌ترین حاشیه‌سازی و با بهترین، زیباترین و شیرین‌ترین عبارات مطرح شود.

نقد ما در صورتی تأثیرگذار است که با الفاظ شیرین و با منطق بیان شود. اگر نقد با منطق بیان نشود اثری ندارد. همچنین اگر با کلمات تند و زنده مطرح شود بازهم اثری ندارد. ما باید نقد را نرم و لین بلکه بالاتر از «لین» بیان کنیم.

زبان «لین» در برابر فرعون است، اما ما با برادر دینی خود می‌خواهیم صحبت کنیم. این افراد به عللی یا به تقلید از پدران و علمایشان، راه را گم کردند. ما باید همانند پدری که فرزند خودش را نصیحت می‌کند آن‌ها را نصیحت کنیم و همان الفاظ را به کار ببریم.

ما باید الفاظ شیرین به کار ببریم، مؤدب و دلسوز باشیم تا طرف احساس کند که ما دلمان برای او می‌سوزد و نمی‌خواهیم انتقام بگیریم یا طعنه بزنیم. اگر چنین باشد الفاظ ما اثرگذار خواهد بود.

پرسش:

آیا صحیح است که ما در نام بردن افرادی که برای اهل سنت محترم هستند مثل خلفا، از الفاظ احترام مثل «جناب» استفاده کنیم؟!

پاسخ:

من معتقدم بهتر است استفاده کنیم. گرچه در حال حاضر یک سری از ولایتی‌های تندرو در فضای مجازی به همین خاطر زمانی که اسم ما را می‌آورند عبارت (لعنة الله عليه) را در کنار آن به کار می‌برند!! که چرا قزوینی به این افراد احترام می‌گذارد.

یک سری افراد وجود دارند که معتقدند ما باید طوری حرف بزنیم که اهل سنت از ما خوششان بیاید که اینها یک طیف هستند. دسته دیگر افرادی هستند که معتقدند ما باید لعن و سب کنیم و احترام هم نگذاریم که اینها هم طیف دیگری هستند.

بنده به شخصه با توجه به تجربه سی ساله‌ای که دارم معتقد هستم ما نه به خاطر اینکه اهل سنت از ما خوششان بیاید، یک سری الفاظ را به کار ببریم. و نه با فحش و اهانت صحبت کنیم. بلکه به خاطر اینکه خدا و اهل بیت از ما راضی باشد باید صحبت کنیم.

اگر طوری صحبت کنید که شیعیان از شما خوششان بیاید، اهل سنت از شما می‌رنجند. و اگر اهل سنت از شما خوششان بیاید شیعیان از شما می‌رنجند. اگر به طرف تقریب بروید ولایتی‌های تند از شما می‌رنجند. اگر به طرف ولایتی‌ها بروید تقریبی‌ها از شما می‌رنجند. امروزه دفاع از اهل بیت همانند عبور از پل صراط است که نازک‌تر از مو و برنده‌تر از شمشیر است!!

ما باید دقت کنیم در مسیری که می‌رویم تنها اخلاص داشته باشیم. «من کان لله، کان الله له» اگر عمل ما خالص برای خداوند نباشد مذمت مذمت‌گران ما را خسته می‌کند و تشویق تشویق‌گران ما را مغرور می‌کند. نه مغرور شدن به صلاح ما و موجب نجات ماست و نه خسته شدن از مذمت مذمت‌گران موجب نجات ماست. کار ما با خداوند است!! باید ببینیم کاری که انجام می‌دهیم بیننا و بین الله، تقریباً الی الله بوده یا نبوده است. اگر نیت ما تقرب الی الله باشد کافیست.

باید ببینیم که تشخیص ما چیست. بسیاری افراد هم هستند؛ مصداق این آیه هستند:

(وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ بِحَسَنَاتِهِمْ صَالِحُونَ)

با اینحال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند!

سوره کهف (۱۸): آیه ۱۰۴

ما کاری با آن‌ها نداریم، بلکه باید ببینیم که فهم ما از سیره اهل بیت چیست. هرکسی به اندازه فهم خودش فردای قیامت مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد.

بنده به یاد دارم اوایل انقلاب آیت الله العظمی بهجت را بالاسر حضرت معصومه دیدم. خدمت ایشان سلام دادم و عرض کردم که نصیحتی به ما کنید. تعبیر ایشان چنین بود: به آنچه از روایات اهل بیت فهمیده‌اید عمل کنید. الآن حدود ۳۸ سال از این قضیه می‌گذرد، اما این نصیحت برای بنده خیلی جالب بود. شاید جمله ایشان به ظاهر جمله ساده‌ای بود، اما همواره در ذهن من است.

شما ببینید تندروهای ما روایت می‌آورند یا از بخار معده حرف می‌زنند؟! آیا مخالفین ما به روایات عمل می‌کنند یا روی هوا و هوس جلو می‌روند؟! شما حداقل منطق این افراد را ببینید و خودتان هم صاحب منطق باشید. این کار ارزشمند است!!

«من کان لله کان الله له»

هرکسی با خدا باشد، خداوند عالم هم با اوست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۹، ص ۱۹۷، باب ۱ فضل الصلاة و عقاب تارکها

و:

«و ما کان لله ینمو»

هرچه برای خداوند عالم باشد نمو می‌کند.

الصراط المستقیم إلى مستحقى التقدیم، نویسنده: عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس، محقق / مصحح: رمضان، میخائیل، ج ۲، ص ۲۱، باب آثاره العلمیة

چیزی که برای خدا نباشد قطعاً شکست می‌خورد. تعبیر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چنین است:

«ضَاعَ مَنْ كَانَ لَهُ مَقْصَدٌ غَيْرُ اللَّهِ»

هرکسی هدفی غیر خدا داشته باشد ضایع می‌شود و در کارهایش نتیجه نمی‌گیرد.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۹۵، ح ۱۶۸۱

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته